

## بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در هشتمین همایش ملی نخبگان جوان - 30 / مهر / 1393

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ( ۱ )

برای کسی در سنین این حقیر و در مسئولیت این بنده کمتر چیزی به شیرینی دیدار جمعی مثل جمع شما است؛ جوانهایی که وارد عرصه‌ی زندگی علمی شده‌اند و آینده‌ی روشنی را برای آینده‌ی این کشور نوید می‌دهند. امثال ما چشممان به شماها است که ان شاء الله خدای متعال به شما توفیق بدهد که بتوانید این کشورتان را، این خانه‌ی پرافتخارتان را با نیروی فکر و عزم و اراده‌ی خودتان آن‌چنان بسازید که شایسته‌ی این میهن و شایسته‌ی این تاریخ است. بنابراین خیلی خوش آمدید؛ خیلی خوشحالیم از اینکه شما را امروز اینجا زیارت کردیم.

از بیانات آقای ستاری هم حقیقتاً من لذت بردم. خود ایشان هم نخبه است، پدر شهید ایشان هم - شهید منصور ستاری - حقیقتاً یک نخبه بود؛ هم از لحاظ فکری، ذهنی، علمی و عملیاتی، هم از لحاظ انگیزه و ایمان و حضور در عرصه‌های دشوار. خداوند ان شاء الله شهید ستاری عزیزمان را با اولیائش محشور کند؛ به ایشان هم توفیق بدهد. مطالبی که گفتند، مطالب بسیار خوبی بود و کاملاً درست بود. و امیدواریم ان شاء الله بنیاد نخبگان و این معاونتی که با اصرار و پیگیری چندین ساله‌ی ما بحمدالله راه افتاد و شروع شد و به شکوفایی رسیده، بتواند وظایفش را بدرستی انجام بدهند.

یک نکته عرض کنم که شاید حرف اصلی من هم همین باشد: یکی از چیزهایی که جا دارد که نخبگان کشور بر روی آن تعمق کنند و فکر کنند، اصل مقوله‌ی نخبگی و مفهوم نخبگی است. یک نگاه عالمانه و حکیمانه به اصل نخبگی بکنید. این نخبگی یعنی ترکیبی و مجموعه‌ای از استعداد شما، و همت شما برای کار کردن و تلاش کردن، و حوصله‌ای که به خرج دادید و پیگیری‌ای که کردید. همه‌ی اینها - هم آن استعداد، هم آن همت، هم آن حوصله - داده‌های خداوند متعال است به شما؛ این رزق الهی است: *وَ اللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ*؛ (۲) این رزقی است که خدای متعال به شما داده؛ هم آن استعداد و کشش و ظرفیت ذهنی‌ای که شما داشته‌اید، هم آن همتی که به خرج دادید که درس بخوانید، تحقیق کنید، مطالعه کنید، کار کنید - خیلی‌ها استعداد دارند، همت آن را ندارند - هم آن حوصله‌ای که خدا به شما داد که صرف وقت کنید، بنشینید، بخوانید، فکر کنید، مطالعه کنید، بحث کنید؛ اینها حوصله می‌خواهد؛ این حوصله هم نعمت الهی است، این هم رزق الهی است.

خب، وقتی فهمیدیم که این استعداد یا این همت از کجا آمده است، می‌فهمیم که کجا باید خرج شود، در کجا باید هزینه شود. خدای متعال معین فرموده است: *هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ. الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ*؛ (۳) باید انفاق کنید؛ این رزق الهی است به شما، این رزق را باید انفاق کنید. انفاق رزق فقط این نیست که انسان پولی از جیبش در بیاورد و به یک مستمندی بدهد. این رزق بالاتری است، رزق باارزش‌تری است، انفاق آن هم باارزش‌تر است، باید این را انفاق کنید. انفاق رزق دانش این است که آن را در خدمت جامعه قرار بدهید؛ در خدمت تاریختان، در خدمت آینده‌تان، در خدمت ملتتان قرار بدهید. اینها تکلیف نخبگی را روشن میکند. انفاق این رزق به این است که آن را در راه خدا خرج کنید؛ برای خیر بندگان خدا مصرف کنید. متنی هم نباید داشت - این را هم به شما عرض بکنیم - درست است که شما این رزقی را که خدای متعال به شما داده، صرف کسانی می‌کنید که عامه‌ی مردمند اما خود شما هم از محصول کار و خدمت عامه‌ی مردم به‌طور دائم برخوردارید دیگر؛ این بده‌بستان است. همین نانی که شما می‌خورید، این لباسی که شما می‌پوشید، این وسیله‌ای که از آن استفاده می‌کنید و با آن رفت‌وآمد می‌کنید، اینها محصول دست کیست؟ محصول دست همین کسانی است که اسم نخبه روی آنها نیست؛ آنها دارند به شما خدمت می‌کنند به نوعی؛ شما هم باید به آنها خدمت کنید به نوعی؛ نخبه این است. اگر چنانچه این انفاق انجام گرفت، آن وقت هدایت الهی و کمک الهی هم دنبال آن است. ببینید، در همین آیه‌ی شریفه: *هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ*؛ این کتاب، به متقین هدایت اهدا میکند. متقین چه کسانی هستند؟ همان *الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ*. وقتی شما این انفاق را انجام دادید، جزو کسانی هستید که مشمول هدایت

الهی خواهید شد؛ این هدایت، هم در زمینه‌ی افزایش نخبگی است، هم در زمینه‌ی توفیق در نوع هزینه کردن این نخبگی است؛ هدایت میکند خدای متعال. هدایت موجب میشود در هر جایی که خلایی وجود دارد که شما میتوانید آن خلأ را پر کنید، آنجا حضور پیدا خواهید کرد؛ میدان فرق نمیکند. ببینید، شهید چمران یک نخبه‌ی علمی بود؛ چمران را همه به عنوان یک سرباز و سردار و جنگ‌آور می‌شناسند اما چمران یک نخبه‌ی علمی درجه‌ی یک بود - من، هم از خود او شنیدم و هم از دیگران شنیدم - در مراکزی که در آمریکا تحصیل میکرد، جزو بالاترین درجات دانشجویانی بود که آنجا تحصیل میکردند؛ یک نخبه‌ی علمی به تمام معنا بود اما احساس کرد نیاز است که بیاید در این میدان کار کند؛ از همان استعداد، از همان توانایی، از همان همت استفاده کرد وارد این میدان شد و کارهای کارستانی انجام داد؛ این یک نخبه است. مثلاً شهید مجید شهریار هم یک نخبه است. از همان استعداد، از همان توانایی، از همان همت استفاده کرد، وارد این میدان شد و کارهای کارستانی انجام داد. این یک نخبه است؛ مثلاً شهید مجید شهریار هم یک نخبه است. در مورد کار شهریار، دیگر بحث بحث جنگ نبود؛ یک جایی خالی بود، یک نقطه‌ای مورد نیاز بود، این نخبه رفت آنجا مشغول کار شد؛ و همین‌طور دیگر شهدای نخبه‌ی ما که حقیقتاً کار کردند. به هر حال وقتی دانستیم که این، داده‌های الهی است، نعم الهی است، رزق الهی است، میفهمیم که رزق الهی را کجا باید مصرف کنیم. این یک مطلب که اصل عرض ما به شما بود.

راجع به مسئله‌ی علم و تحقیق، ما خیلی حرف زده‌ایم؛ چند سال است؛ بحمدالله این حرفها بی‌اثر هم نبوده. کشور در این ده دوازده سال اخیر یک حرکت علمی جان‌دار و جهت‌دار و حقیقی انجام داده؛ ما راه افتاده‌ایم به‌طور کامل بحمدالله؛ منتها خب باید این راه را ادامه بدهیم. من در همین حکم اخیری که برای شورای عالی انقلاب فرهنگی منتشر شد، (۴) تأکید کردم که حرکت علمی نباید دچار وقفه بشود؛ چون هر وقفه‌ای با عقب‌گرد همراه است. ما در یک مسابقه‌ی جهانی هستیم، عقب‌ماندگی‌های زیادی هم داریم؛ بله، الان سرعت پیشرفت ما خوب است اما عقب‌ماندگی این قدر زیاد است که این سرعت پیشرفت هنوز إفاقه نکرده است؛ هنوز نتوانسته ما را به آن جایگاه مورد نیازمان برساند. باید ادامه بدهیم و تلاش بشود. این حرکت علمی لازم است. اگر چنانچه این حرکت علمی با همین حواشی و دنباله‌هایی که دارد ادامه پیدا نکند - که یکی از آنها تشکیل همین شرکتهای دانش‌بنیان و روی آوردن به اقتصاد دانش‌بنیان [است] اینها از لوازم این حرکت علمی است که بحمدالله بتدریج راه افتاده است - کشور نجات پیدا خواهد کرد.

حرف بسیار درستی را آقای ستاری عزیزمان اینجا الان گفت: در کشوری و اقتصادی که متکی به منابع زیرزمینی است و ثروت باد آورده در آن کشور حاکم است، نخبه، نه شناسایی میشود، نه جذب میشود، نه اصلاً احتیاج به نخبه احساس میشود. وقتی قرار شد که ما این ثروت ذخیره‌ی تاریخی خودمان را از زیر زمین بکشیم بیرون، مدام خام‌فروشی کنیم، به حالت «بچه‌پول‌داری ملئی» - این جوری بگوییم؛ مثل بچه‌پول‌دارها که قدر پول را نمیدانند، هر جور دستشان بیاید خرج میکنند - کشور را بخواهیم اداره کنیم، آنجا نه نخبه شناسایی میشود، نه به نخبه احساس احتیاج میشود، نه نخبه میتواند نقش ایفا کند. نتیجه هم همین میشود که سرنوشت کشور می‌افتد دست آن کسانی که سیاست‌گذاران کلان دنیای نفت و منابع زیرزمینی‌اند. امروز این جور است: سیاست آنها این است که یک روز قیمت نفت تنزل پیدا کند؛ ناگهان شما می‌بینید ۲۰ دلار قیمت نفت تنزل پیدا کرد؛ تا دیروز مثلاً ۱۰۵ دلار میفروختند، حالا باید ۸۵ دلار بفروشند؛ اینها سیاستهای جهانی است. کشوری که اقتصاد خودش را بسپرد دست سیاست‌گذاران و طراحان و برنامه‌ریزان خارج از محدوده‌ی مصالح او، حال آینده‌ی آن کشور معلوم است. کشور باید با نیروی درونی اداره بشود؛ به تعبیر درست ایشان، با ذخایر روی زمین یعنی استعدادهای درونی ما، نیروی انسانی ما، هوش جوانان ما، با اینها باید اداره بشود؛ اگر این شد، هیچ قدرتی در دنیا قادر نخواهد بود که سرنوشت اقتصادی کشور را یا هر آنچه به اقتصاد کشور ارتباط پیدا میکند، در دست بگیرد و ملعبه‌ی (۵) خودش قرار بدهد. بنابراین باید دنبال علم و تحقیق رفت. این کار، کار لازمی است.

البته تولید علم را که ما عرض کردیم، با تولید مقاله نباید اشتباه کرد. آمارهایی که میدهند، مقاله‌هایی که منتشر شده، مقاله‌های علمی و بعضاً بالارزش و مرجع که در دنیا جنبه‌ی مرجع پیدا کرده، این چیز خوبی است، چیز بالارزشی

است اما این همه‌ی قضیه نیست؛ اولاً بایستی مقاله‌ها به ثبت ابداع بینجامد، ثانیاً باید مقاله‌ها ناظر به نیازهای درونی کشور باشد؛ این را باید هم دانشگاه‌ها، هم دستگاه‌های مراکز تحقیقاتی و علمی دنبال بکنند؛ روی این باید تکیه کرد.

این را هم عرض بکنیم که پیشرفت علمی، کار همه است؛ یعنی مسئولیتی است برعهده‌ی همه‌ی دستگاه‌های کشور. خوب، معاونت علمی و بنیاد نخبگان، مسئولیتهای مهمی هستند و دارا هستند، کارهای لازمی دارند لکن همه‌ی دانشگاه‌های کشور بلکه همه‌ی دستگاه‌های گوناگون کشور - آموزش و پرورش، وزارت علوم، دستگاه‌های گوناگونی که در کشور هستند - هرکدام میتوانند نقش ایفا کنند. این نقشه‌ی جامع علمی - که بحمدالله تدوین شد و منتشر شد - میتواند تکلیف دستگاه‌های مختلف را معین کند. ما بایستی در مجموعه‌ی دانشگاه‌های کشور یک زنجیره‌ی کامل علمی را شاهد باشیم؛ به معنای واقعی، یک شبکه‌ی عظیم تولید علم در همه‌ی ابعاد و در همه‌ی بخشهای مورد نیاز، و همه هم‌افزا و مکمل یکدیگر. هم مراکز تحقیقاتی ما، هم دانشگاه‌های ما، هم بقیه‌ی دستگاه‌هایی که به‌نحوی با مسائل علمی ارتباط پیدا میکنند، با همدیگر همکاری کنند، ان‌شاءالله آنچه مورد نظر هست، تحقق پیدا خواهد کرد، که همین زنجیره‌ی کامل و شبکه‌ی علمی کاملی است که باید تشکیل بشود.

همه‌ی شما جوانان عزیز را توصیه میکنم به اینکه ارتباطتان را با خدای متعال تقویت کنید؛ هرچه میتوانید. برنامه‌هایی هم که برای شما تنظیم میکنند، باید در تقویت همین جهت باشد. دل‌های شما جوانها، پاک است؛ هرچه این دل‌های پاک و نورانی با خدای متعال آشنا تر باشد - با خدا حرف بزنید، از خدا بخواهید، به خدا پناه ببرید، با خدای متعال درد دل کنید، هرچه این حالت را بیشتر توانستید در خودتان به‌وجود بیاورید - بدانید توفیقات شما در آینده بیشتر خواهد بود. در همین آیه‌ی شریفه: *الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ*، (۶) قبل از این انفاق، اقامه‌ی نماز است و نماز، مظهر ارتباط و اتصال با خدا است. امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال همه‌ی شماها را موفق بدارد و امام بزرگوار ما و شهدای عزیز ما را ان‌شاءالله از همه‌ی شماها راضی کند و دعاگوی شما باشند؛ کمااینکه بنده هم دائماً دعاگوی شما جوانها هستم.

والسلام و علیکم و رحمة‌الله و برکاته

۱) قبل از شروع بیانات معظم‌له، دکتر سورنا ستاری (معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهور و رئیس بنیاد ملی نخبگان) گزارشی ارائه کردند.

۲) سوره‌ی نحل، بخشی از آیه‌ی ۷۱: «و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده...»

۳) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲ و آیه‌ی ۳: «... مایه‌ی هدایت تقوا پیشگان است: آنان که به غیب ایمان می‌آورند، و نماز را برپا میدارند، و از آنچه به ایشان روزی دادیم انفاق میکنند»

۴) ر. ک: حکم انتصاب اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۳/۷/۲۶)

۵) بازیچه

۶) سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۳: «انان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را برپا میدارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، انفاق میکنند.»